**دیوان نظامی گنجوی**

**طباطبائی، سید مصطفی**

بیشتر از تذکره‏نویسان معتقدند که این شاعر گرانمایه علاوه بر خمسهء نظامی آثار ادبی دیگری‏ نیز از خود گذارده که متأسفانه طی روزگاران دراز از میان رفته و اثری از آن بر جای نمانده است. دولتشاه در تذکرهء خویش غزلی را نقل نموده که دارای تخلص نظامی است و بعد مینویسد که قصائد و غزلیات و موسحات وی تا بیست هزار بیت میرسیده...عوفی مینویسد که بجز چند مثنوی منظومه‏های‏ دیگری از طبع و(؟؟)شاعر تراوش ننموده و فقط در نیشابور یکی از غزلهای او را یکی از دانشمندان‏ شنیده است،آنگاه سه غزل را که هر کدام دارای پنج بیت و یکی از آنها در ماتم فرزند اوست نقل‏ می‏نماید.لطفعلی آذر نیز پس از نقل برخی از قصائد و غزلیات و منتخباتی از اشعار او مینویسد که‏ مجموع قصائد و غزلیات و رباعیات نظامی تا بیست هزار بیت میرسیده ولی همه آنها دردست نمیباشد.

رضا قلیخان هدایت سه قصیده که اولی دارای 24 و دومی 16 و سومی 37 بیت و همچنین نه‏ غزل را که هر کدام از آنها از سه چهار بیت تجاوز نمیکند باضافهء یک رباعی از نظامی نقل مینماید. ملا بدایونی در ذکر حالات نظیری نیشابوری مینویسد که او یکی از قصائد نظامی را که مطلعش‏ اینست:

ملک الملوک فضلم بفضیلت معانی‏ ز می و زمان گرفته به مثال آسمانی

ضمن قصیده‏ئی که مطلعش چنین است:

ز هنر بخود نگنجم چو بخم می مغانی‏ بدرد لباس بر تن چو بجو شدم معانی

استقبال نموده است و رویهمرفته چنین بر میآید که نظامی علاوه بر مثنویات در اقسام دیگر شعر سهم‏ بسزائی داشته چنان که شاه نعمت اللّه ولی دهلوی نیز(1077 هـ)ضمن قصیده‏ئی دارای 34 بیت است از این قصیدهء نظامی استقبال نموده و بعنوان تفاخر و مباهات میکوید:

بجهان کجا نظامی که بطیبتش بگویم‏ که من این ترانه گفتم تو بگو اگر توانی

مولانا جامی نیز پس از نقل غزلی که آنرا دولتشاه در تذکرهء خود ذکر نموده اشاره باین معنی‏ می‏نماید که اشعار بسیار کمی از گفته‏های نظامی باقی‏مانده است و از میان دانشمندان و محققین معاصر هندوستان فقط علامه شبلی نعمانی و محمد حسین آزاد گفته‏های آنرا تأیید مینمایند در حالی که دکتر «اته»خاورشناس نامی فرانسوی راجع باو اینطور مینویسد:

«نظامی مثنوی شیرین و خسرو را بدربار شاهی تقدیم داشت ولی دو سال بعد از آن هم بیکار ننشست و در سال 84(؟؟)هـ دیوان خویش را مرتب نمود،این دبوان مجموعه‏ئی از قصاید و غزلیاتیست‏ که حاوی مسائل اخلاقی پند و اندرز و شکایت از روزگار میباشد.شمارهء اشعار آن به بیست هزار بیت‏ میرسیده ولی در چند نسخه از آن‏که بدست آمده شمارهءاشعار خیلی کمتر از آن بنظر میرسد.»

گذشته از گفته‏های دیگران از اشعار خود او چنان برمیآید که قصائد و غزلیات بسیار از طبع وی‏ تراوش نموده و تمامی آنها را ضمن دیوانی مرتب نموده‏است.در مخزن الاسرار که نخستین تصنیف شاعر است در تعریف کلام خود چنین گوید:

شعر نظامی شکر افشان شده‏ ورد غزالان غزلخوان شده

و هنگامی که مثنوی خسرو و شیرین را برای تقدیم به دربار قزل ارسلان میبرد قوالان و خوانندگان‏ بسرائیدن غزلهای او مشغول بوده‏اند:

غزلهای نظامی را غزالان‏ زده بر زخمه‏های چنگ نالان

و چون معمول بوده که هنگام خواندن قصیده،شاعر باید بر پا خیزد و تا خاتمهء آن همانطور بایستد نظامی خواسته این رسم و ادب را بجای بیاورد ولی قزل ارسلان او را سوگند داده بجایش مینشانند:

چو بر پا ایستادم گفت بنشین‏ بسوگندم نشاند،این منزلت بین

در داستان لیلی و مجنون از حسودان و بدخواهان شکایت نموده میگوید:

گر پیشه کنم غزل سرائی‏ او پیش نهد دغل درائی‏ گر ساز کنم قصائد چست‏ او پیش نهد قلائد سست

در آغاز همین مثنوی مینویسد که روزی علی الصباح که بمطالعهء دیوان خود مشغول بوده‏ قاصد فرمان شاهی را برایش میاورد تا به نظم قصهء لیلی و مجنون بپردازد:

روزی بمبارکی و شادی‏ بودم بنشاط کیقبادی‏ ابروی هلالیم گشاده‏ دیوان نظامیم نهاده...

ویلهلم باخر خاورشناس آلمانی که ملاقات فاضلانه دربارهء نظامی نگاشته از اشعارش اینطور استنتاج می‏نماید که هنگام تصنیف لیلی و مجنون بنظم و ترتیب دیوان خود نیز مشغول بوده است.

ولی با تمام این قرائن و شواهد پرفسور براون راجع بوجود دیوانی بنام نظامی گنجوی اظهار تردید نموده و اینطور اظهار عقیده می‏نماید:

«این نکته را باید در نظر داشت که شعرای چندی دارای تخلص نظامی بوده و بسیاری از تذکره‏نویسان آنان را نظامی گنجوی دانسته‏اند،و اگر هم قبول کنیم که نظامی دارای دیوانی بوده‏ محقق است که از دیر زمانی این دیوان از میان رفته است و تا آنجا که نگارنده در برخی از کتابخانه‏های‏ مهم هندوستان کنجکاوی نموده‏ام نسخه‏ئی از دیوان نظامی ندیده‏ام.

با تمام این مراتب پرفسور هوتسما آلمانی طی مقالهءمفصلی‏1اشاره بسه نسخه خطی از دیوان نظامی نموده که دو نسخهء آن در کتابخانهء بودلین در اکسفورد انگلستان و نسخهء سوم در کتابخانهء ملی پروس بشمارهء 92-691 موجود و در پشت ورقهء آخر کتاب نوشته شده است«نزد بنده احمد بیک‏ این موجز دیوان شیخ نظامی گنجوی محتوی بر قصائد و غزلیات و رباعیات عارفانه که همگی تخمینا پانصد بیت میشود موجود و در کتابخانه راشرفی نامحدود....»این دیوان بخط عالی نستعلیق نوشته شده و دارای‏ 43 ورق و فاقد دیباچه و خاتمه است و ترتبت اول آن اینست که قصائد بعد غزلیات و سپس رباعیات که‏ تعداد آنها خیلی کم ایت نوشته شده.از گفته‏های جامی عوفی چنین بر میآید که آثار دیگر نظامی‏ بسیار کم در دست است و نیز شمارهء اشعار وی که دولتشاه بیست هزار گفته کاملا مبالغه‏آمیز است و اشعاری را که عوفی نقل نموده در این دیوان نمیتوان یافت.آنگاه پرفسور هوتسما مینویسد که قصیدهء اول‏ (1)این مقالهء هاوتسما که نویسندهء محترم باختصار بان اشاره کرده است در مجموعه‏ای از مقالات‏ تحقیقی منتشر شده است که بیادگار شصت سالگی مرحوم پروفسور براون تهیه و تدوین شده بود و به عجب نامه موسوم است.(مجلهء یغما)

این دیوان با سال ترتیب آن مطابق نیست هرچند از نظر تاریخ وقوع آن را غیرممکن نمیتوان شمرد.1

مطلع آن قصیده اینست:

این بدان وزن و قوافیست که گفتست کمال‏ هر نسیمی که بمن بوی خراسان آرد

این قصیده را نظامی به پیروی از کمال الدین اصفهانی(630)گفته و خودش 30 سال پس از آن تاریخ در گذشته است..البته مطابقت تاریخ دیوان کار مشکلی است ولی در هر حال مطلبی را که‏ مغایر با وقایع دورهء نظامی‏باشد در آن نمیتوان یافت.

در فهرست کتابهای چاپی کتابخانهء بودلین‏2نامی از دیوان چاپی نظامی برده شد که با آن‏ نسخهء خطی کاملا اختلاف دارد و اگر فرصتی بدست آمد در خصوص آن بسط مقال خواهم نمود.

لکهنو-اسفند 1332

(1)گویا نویسندهء محترم از دیوانی که در طهران از روی نسخه‏های آکسفورد و برلین تهیه شده است‏ و باهتمام مرحوم وحید دستگردی منتشر شده است خبر ندارند.مرحوم وحید آن قصاید و غزلیات و قطعات‏ را سبک و سنگی کرده و بمیزان ذوق شخصی برخی را اصیل و بعضی را الحاقی تشخیص داده و در دو دسته مرتب و چاپ کرده است.بعلاوه مجموعه‏ای از غزلیات نظامی را از روی یک نسخهء خطی محفوظ در ایا صوفیه نیز آقای پروفسور ریپکا در طهران بچاپ رسانیدند.(مجلهء یغما).

(2)گویا مقصود نویسندهء محترم«فهرست کتابهای چاپی فارسی کتابخانهء دیوان هند یعنی ایندیا آفیس»است،و بهر حال آن دیوان نظامی که در اکره در 1283 چاپ شده است اشعار یکی از اهل هندوستان است موسوم بمحمد نظام الدین و پروفسور اته که مأخذ این اطلاع آقای طباطبائی و پروفسور هاوتسما بوده است در نسبت دادن آن دیوان بنظامی گنجوی اشتباه کرده است.(مجلهء یغما)

محمد حسن مسعودی خراسانی

نقل از روزنامهء پارس-شیراز

سعدی و حافظ

فارس را پایه بلند است و سزد از دو وجود بجهان فخر و مباهات نماید شیراز سعدی و حافظ ویرا نبود هیچ نظیر نه بایران نه بتوران نه بهند و نه حجاز در غزل این دو بزرگ آمده استاد همه‏ که بشیرین سخنی هر دو ندارند انباز غزل سعدی آرد دل و جان را بنشاط نظم حافظ بدهد جان سوی جانان پرواز غزل حافظ شیرین سخن،الهام بود دیگران را نبود راه باین طرز و طِراز سعدی آموخته از پیر خرد راز سخن‏ حافظ از عشق،که با حسن بود محرم راز بود او حافظ قرآن و عجب نیست که او بهره بگرفته از آن گنج سراسر اعجاز او ملک بوده و فردوس برین جایش بود چند روزی سفری کرد باین ملک مجاز گوهر خویش درین ملک خریدار ندید برد گوهر سوی آن ملک که بگرفت آغاز روح پاکش که سفر کرد سوی عالم قدس‏ خاکیان را همه افکند بسوز و بگداز هاتف غیب پی رحلت وی گفت بگو: «وی ملک بود بفردوس برین آمد باز»792